

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبهانگ راد

۱۷ جولای ۲۰۲۱

صنعت نفت و افق جنبش کارگری

اعتراضات بخش‌های متفاوت تولیدی - ساختمانی اگرچه از دیرباز بر فضای جامعه کارگری حاکم بود، ولی اعتصاب مجدد کارگران پیمانی نفت و گاز و پتروشیمی و متعاقباً همبستگی ده‌ها نهاد کارگری دیگر - طی چند روز اخیر - را می‌شود، بااهمیت‌ترین و از زمره گسترده‌ترین اعتراضات کارگری در برابر نظام سرمایه‌داری وابسته ایران دانست؛ اعتراضاتی [که بمانند مردادماه سال گذشته] بخش اعظم جامعه کارگری را در برگرفته است و به هر سو و یا هر سمتی برود، حاوی پیام‌های روشن در برابر نظام استثمارگر و سودجو است.

بارها و بارها و از سوهای متفاوت آمده است که اعتصاب کارگران پیمانی نفت و گاز و پتروشیمی، ریشه در نظام وابسته و سیاست‌های حاکم بر جامعه‌ای دارد که با تعرض به تنه‌های تولیدکنندگان نفت، و نیز غارت ثروت‌های طبیعی پی ریخته شده است. پس ریشه‌ها و پیش‌زمینه‌های آن مربوط به تجاوز و تعدی بیش از پیش سرمایه‌داران، و همچنین مربوط به دست‌درازی دم و دستگاه‌های سرکوبگری همچون سپاه پاسداران [در صنعت نفت] است. علاوه بر این‌ها توافق است که اقتصاد ایران تک‌محصولی و نبض آن با نفت می‌تپد و بنابراین سیطره کامل به اصلی‌ترین سرمایه کشور از سوی سران نظام پیشین و نیز حکومت‌مداران فعلی باعث شده است تا جامعه ایران را بهیکی از جوامعی تنگ‌دست، برای کارگران نفت و دیگر توده‌های ستم‌دیده و محروم تبدیل کند. در حقیقت تمرکز و تصاحب این بخش از اقتصاد جامعه، همواره در دستور کار حکومت‌مداران قرار داشت و دیده شده است که چگونه سران نظام جمهوری اسلامی به یاری نهادهای سرکوبگری [همچون سپاه پاسداران] و آن‌هم در مدت زمانی کوتاه به اریکه قدرت - و بویژه پساجنگ امپریالیستی ایران و عراق - سیاست تعرض به شالوده اقتصاد ایران را زیر پوشش سیاست‌های تعدیل اقتصادی [در سال‌های ۱۳۶۸ - ۱۳۷۲] و "واگذاری سهام صنایع دولتی و ملی‌شده" به استثنای "صنایع بزرگ و مادر"، و با تصویب مصوبه شورای عالی اداری [مورخه ۱۳۷۹/۱/۳۱] مبنی بر این‌که وزارت نفت همچون دیگر وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و موسسات دولتی امور خدماتی و پشتیبانی خود (نقلیه، چاپ، آشپزخانه، خدمات عمومی و تأسیساتی) را به بخش غیردولتی واگذار کند" آغاز و بر اساس ماده ۳۳، سومین برنامه توسعه [یعنی در سال‌های ۱۳۷۹ - ۱۳۸۳]، دولت‌مداران را موظف به انجام فعالیت‌های مربوط به عملیات پالایش، بخش حمل و نقل، مواد نفتی و فرآورده‌های اصلی و فرعی را به ... اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی... کرده‌اند و در ادامه و با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی [سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۸۵] توسط «رهبر» جمهوری اسلامی، خصوصی‌سازی "صنایع بزرگ، صنایع

مادر (از جمله صنایع بزرگ پائین‌دستی نفت و گاز) و معادن بزرگ (به استثنای نفت و گاز) ... در دستور کار قرار گرفت. با این تفصیل و بر مبنای چنین سیاست و مصوباتی بود که پای عناصر "حقیقی" ای [همچون محسن هاشمی]، نهادهای، قرارگاه‌ها و دم و دستگاه‌های سرکوب‌گر "حقوقی" ای [همچون "قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء" زیر پوشش سپاه پاسداران] به صنایع نفت باز شد و در این‌بین هر یک، به‌میزان وزن و جایگاه سیاسی - نظامی‌شان، به غارت یگانه اقتصاد جامعه پرداخته‌اند که ماحصل مخرب آنرا می‌شود در تخریب زیرساخت‌های جامعه و نیز در زندگی هزاران کارگر نفت و گاز و پتروشیمی به‌عینه دید.

با این حساب روند تخریب و پیش‌زمینه‌های تعرض به یگانه اقتصاد جامعه یعنی نفت، با تدوین و با تصویب سیاست‌های کلان دولت زیر عنوان رونق بخشیدن به اقتصاد جامعه و به‌اصطلاح سهیم شدن مردم در صنعت نفت برمی‌گردد؛ "سهیم و دخالتی" که باعث ثروت‌مندتر شدن بالائی‌ها و نیز فقیرتر شدن کارگران نفت و پائینی‌ها شده است. از آن‌زمان [یعنی از سال ۱۳۶۸] به‌بعد بود که "قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء" و از زیرمجموعه‌های وابسته به سپاه پاسداران، با مجوز و با فرمان «رهبر»، فعالیت‌های اقتصادی خود را در برنامه نفت و گاز و پتروشیمی آغاز کرده و در مدت بسیار کوتاهی، به یکی از بزرگ‌ترین پیمان‌کاران صنعت نفت و دولتی تبدیل و سوار بر شالوده اقتصادی جامعه ایران شده است. ورود سپاه پاسداران به ساختار اقتصادی [و جدا از وظایف نظامی و سرکوب پی‌درپی مردم، اعتراضات و اعتصابات کارگری و توده‌ای و جوانان] باعث شده است تا روال ویران‌سازی زندگانی سازندگان و تولیدکنندگان اصلی جامعه بیش از پیش شود. منظور از این‌که "قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء" زیرمجموعه سپاه پاسداران از جمله بزرگ‌ترین پیمان‌کارانی‌ست که بیش از ۱۰۰۰ شرکت در داخل ایران و خارج از کشور را حول خود سازمان داده است.

اضافه‌تر این‌که ورود سپاه پاسداران در ساختار اقتصادی، به نقش و به شرکت آن در سرکوب پی‌درپی جنبش‌های اعتراضی و خلق‌های ستم‌دیده‌ای همچون کرد و ترکمن‌صحرا، نیروهای کمونیستی، مخالفین و همچنین در سازماندهی جنگ امپریالیستی ایران و عراق برمی‌گردد. به‌هرحال بعد از ۸ سال، پرونده جنگ امپریالیستی مختومه و سپاه پاسداران در تداوم «برقراری نظم و امنیت» جامعه و همچنین تحت پوشش جهاد سازندگی (و آن‌هم بنابه پیشنهاد علی‌اکبر رفسنجانی)، به عرصه اقتصادی ورود کرد و رفته‌رفته، سر از بانکداری و اعتباری‌ای مانند "بانک انصار"، "تعاونی اعتباری ثامن‌الائمه"، "بانک‌های سینا" [وابسته به بنیاد شهید]، "موسسه مالی و اعتباری آینده" [وابسته به بنیاد مستضعفان و جانبازان]، "بانک پاسارگارد و موسسه مالی و اعتباری کوثر"، صنایع شاداب خراسان، هواپیمائی پارس، صدها فروشگاه مواد غذایی، رستوران، خودروسازی و امثالهم در آورده است.

ناگفته نماند که موضوع فعلی، ورود و برشماری یکایک دست‌درازی‌های سپاه پاسداران در اقتصاد ایران نیست، بلکه بحث فعلی، بیان سیاسی و چگونگی برون‌رفت از موقعیت وخیم و نیز افق جنبش کارگری است؛ جنبشی که علی‌رغم پُرنشاطی و سرزندگی، در چنبره مبارزات صنفی- اقتصادی گیر کرده و متأسفانه دُورنمای بُرون‌رفت از آن، مُبیم و ناروشن است. یقیناً مخالفتی نیست که جامعه ایران از دیرباز در تنگنای سیاسی و خفقا‌ق‌باری قرار گرفته است و اگرچه ابعاد اعتراضات و اعتصابات در ایران بی‌نظیر و بسیار بالاست، ولی به‌همان میزان، ثمره‌ها بسیار پائین است و متأسفانه هیچ بخش، قشر و یا صنفی به خواسته‌های‌اش دست نیافته است. بی‌تردید دلیل اصلی آن به فقدان طولانی سازمان - سازمان‌ها و یا تجمعات - متعلق به طبقات و اقشار پائین جامعه مربوط می‌شود؛ با این اوصاف نافرجامی اعتراضات و اعتصابات بخش‌های متفاوت نفت و نیز درخواست‌های مردمی را هم نمی‌شود، غیر از چنین چهارجوبی، یعنی به نبود سازمان مدافع طبقه کارگر در درون از یک‌طرف و به سیاست‌های کلان نظام جمهوری اسلامی از

طرف‌دیگر توضیح داد. پس تداوم کشاکش و تنش‌های سیاسی و ناسرانجامی خواست‌ها و مطالبات پائینی‌ها، ربط با واسطه‌ای در تعرض و نفوذ بی‌امان دولت و ارگان‌های حافظ بقای امپریالیستی و نیز در عدم دخالت‌گری‌های سازمان‌های وابسته به کارگران دارد.

واضح‌تر این‌که صحن کارگری و بویژه صنایع نفت بمانند دوره‌های قبل و همچون مردادماه سال گذشته، شاهد اعتراضات و اعتصابات بخش‌های متفاوت نفت و گاز و پتروشیمی علیه پیمان‌کاران بوده است. یعنی این‌که بارها و بارها صنایع نفت به‌موازات دیگر بخش‌های تولیدی، علیه دولت‌مداران و پیمان‌کارانی همچون "قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء" به صف شده‌اند و خواهان بازگرداندن مطالبات اولیه و دست‌مزد متناسب با تورم جامعه بوده و هستند. درخواست حقوق بین ۴ میلیون تا ۱۲ میلیون تومان در سال گذشته، و نیز طرح افزایش حقوق بالای ۱۲ میلیون تومان، بازگشت به کار کارگران اخراج شده، برخورداری از حق مسکن و تحصیل رایگان و نظایر این‌ها از جمله مطالباتی‌ست که از سوی کارگران اعتصابی پیمانی صنعت نفت در سال جاری آمده است؛ موارد و مطالباتی‌که بدون کمترین تردیدی در تضاد با سیاست‌ها و با منافع پیمان‌کاران وابسته به طبقه سرمایه‌داری است. به‌راستی همه تلاش سران نظام [و ارگان‌های وابسته بدانان] بر آن بوده - و هست - تا صنعت نفت را بدون مشارکت و بدون سپیم کردن مردم، از آن خود سازند و مختصراً در بالا آمده است‌که چگونه سپاه پاسداران گام‌به‌گام و جدا از ورود به اصلی‌ترین اقتصاد جامعه [یعنی صنعت نفت] بر موسسات مالی و اعتباری، تکنولوژی و نظامی، خودروسازی و ماشین آلات و نظایر این‌ها چنگ انداخته است تا جایی‌که صدای خودی‌های‌شان هم درآمده است. موضوعی که بارها و بارها، وقت و بی‌وقت از سوی «علی‌اکبر رفسنجانی» گفته شده است: "ما سپاه را برای بازسازی بعد از جنگ وارد اقتصاد جامعه کردیم و حالا به کل آن هم راضی نیست". معلوم است‌که چنین سیاستی [یعنی دست‌درازی به شالوده اقتصاد]، جامعه را با پیامدهای سیاسی - اقتصادی و عملی رودررو خواهد ساخت که اعتراضات و اعتصابات کارگری صنعت نفت و گاز و پتروشیمی از جمله آن‌هاست.

بیش از ۴۰ سال سردمداران رژیم جمهوری اسلامی همراه با سرقت ثروت‌های جامعه، مردم را مورد تعرض وحشیانه خود قرار داده‌اند و هر صدای آزادی‌خواهی را در گلو خفه کرده‌اند؛ ۴۰ سال همراه با سیاست و اهداف بانک جهانی و صندوق بین‌المللی، به تنمه‌های کارگران و محرومان حمله کرده‌اند تا مبادا رویه مطابق با منافع حاکمان جهان، متحمل صدمات جدی گردد. سران رژیم جمهوری اسلامی از همان آغاز با چنین نیت و وظایفی به سر کار گمارده شده‌اند و نشان داده‌اند که کمترین تعلقی به پائینی‌ها ندارند. دودلی‌ای نیست که جامعه ایران [بمانند دیگر جوامعی سرمایه‌داری] متعلق به یک‌درصدی‌هاست و اکثریت قریب‌به‌اتفاق در تقابل با آن است. بی‌علت تنش‌ها روبه بالا نیست و بی‌علت مردم و جوانان به خیابان‌ها سرازیر نمی‌شوند. حقیقتاً نظام به‌هر میزانی که به زندگی و به معیشت کارگران، زحمت‌کشان، زنان و جوانان تعرض کرده است، به‌میزان و به‌مراتبی وسیع‌تر با مخالفت‌ها، اعتراضات و اعتصابات رودررو شده است. در یک کلام توفقی در مخالفت‌های مردمی و کارگری نیست و متعاقباً جامعه یک‌لحظه، فارغ از تنش سیاسی - صنفی بین بالائی‌ها و پائینی‌ها نبوده و نیست. به‌طور مثال اعتراضات «کارگران شهرداری» نسبت به پائین بودن دست‌مزدهای‌شان، اعتصاب «کارگران نگهداری از خطوط راه‌آهن آذربایجان» در عدم پرداخت بموقع حقوق‌های‌شان، اعتصاب «کارگران شهرداری خرمشهر» به‌دلیل حقوق معوقه ۶ ماهه‌شان، تجمع اعتراضی «کارگران خط ۵ متروی تهران» نسبت به حقوق عقب افتاده‌شان، حق بیمه و قراردادهای، و نیز اعتراض «کارگران شهرداری ایلام» در عدم پرداخت حقوق معوقه‌شان و صدها مورد دیگر، نشان از اوضاع وخیم جامعه کارگری در زیر سلطه نظام وابسته به امپریالیسم ایران دارد.

البته ناگفته نماند هم ابعاد تعرض و محدودیت‌های کارگری، و هم مخالفت‌ها، اعتراضات و اعتصابات آن‌چنان زیاد است که نمی‌شود همه را یکجا آورد. از ناامنی‌های شغلی و قراردادهای سفید و نظایر این‌ها گرفته تا جان دادن و مصدوم شدن کارگران در اثر فقدان امکانات ایمنی، بهداشتی، همه و همه نمودار این واقعیات است که تحت مناسبات و سیستم امپریالیستی حاکم بر جامعه، هیچ‌گونه چشم‌انداز روشنی در بُرون‌رفت از اوضاع وخیم کاری، و نیز تحقق خواسته‌های کارگران نیست. بیش از ۴ دهه، کارگران [به‌همراه دیگر صنف‌ها و اقشار محروم و رنج‌دیده] در لبه تیز حمله و تعرض سرمایه‌داران قرار دارند و تابع‌حال سران حکومت کوشش بسیار زیادی کرده‌اند تا بر فضای جامعه کارگری مسلط شوند. از نفوذ و رسوخ مودیانۀ عناصر وابسته به نظام در درون کارگران گرفته تا علم کردن نهادها و شوراهای به‌اصطلاح کارگری نمودار افکار و تلاش‌های سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در "ختم" اعتراضات و اعتصابات کارگری‌ست. این یکسو قضیه، و در حقیقت به سیاست دائمی - و بی‌برگشت - نظام تبدیل شده و سوی دیگر آن، مربوط به سیاست و به پایداری کارگران در قبال درخواست‌ها و مطالبات پایه‌ای‌شان است. کارگران دست به اعتراض و اعتصاب می‌زنند به این دلیل که ناتوان از تهیه نیازهای اولیه زندگی‌اند؛ از تهیه نان و آب‌شان باز مانده‌اند به این دلیل که جیب سرمایه‌داران بی‌انتهاست؛ به خیابان‌ها سرازیر می‌شوند به این دلیل که سرمایه‌داران حاضر به پرداخت حقوق در ازای کارشان نیستند.

این سیمای کلی جامعه کارگری علیه سودجویان، استثمارگران و حافظان مناسبات امپریالیستی‌ست و نیز به تجربه دریافته شده است که هرگونه عقب‌نشینی و اعتماد به صاحبان تولیدی و کارفرمایان، برابر با در تنگنا قرار گرفتن بیش از پیش کارگران است. تجربه‌های زیادی در این عرصه موجود است که سران نظام تحت هیچ شرایطی، حاضر به گفت‌وگو با کارگران بر سر تحقق خواسته‌ها و مطالبات بدیهی‌شان نیستند و در عوض همه فکر و ذکرشان، تعرض گسترده‌تر به سفره ناچیز کارگران و غارت ثروت‌های جامعه است. سرمایه‌داران کاری به اوضاع بد معیشتی کارگران و سازندگی جامعه ندارند؛ زیرا که آمده‌اند از پرداخت پول در ازای کار سر باز زنند و زندگی کارگران و دیگر توده‌های محروم را بباد دهند. اعتراض و اعتصاب کارگران نفت و گاز و پتروشیمی هم در بستر چنین وضعیت و مناسبات مخربی شکل گرفته است و جدا از همسانی‌های مطالبات کارگری با اعتصابات کارگران پیمانی نفت و گاز و پتروشیمی مردادماه سال گذشته، به‌طور قطع می‌شود گفت سردمداران نظام جمهوری اسلامی امسال در موقعیت لغزنده‌تری قرار گرفته‌اند که تجلی آنرا می‌شد در عدم شرکت بی‌سابقه مردم در انتصابات ریاست جمهوری چندماه قبل دید.

آمده و درست است که حاکمیت جمهوری اسلامی به تار مویی بند شده است؛ درست است که هر دُره با ریزش نیرو رودرو و ماندگاری‌اش با سرکوب عریان و خشن گره خورده است؛ نیز درست است که فقدان سازمان سازمانیافته در درون بر اوضاع وخامت‌بار کارگران و دیگر توده‌های دردمند افزوده است، ولی در کنار چنین وضعیت ناهنجار و نقصان طولانی‌ای، جامعه کارگری با صلابتی بیش از پیش در پیش است و کارگران عملاً و علناً و به‌کرات اعلام کرده‌اند که کلیت نظام جمهوری اسلامی و تمامی جناح‌های متفاوت‌اش بناحق‌اند و کم‌ترین تفاوتی از یکدیگر ندارند؛ مهم‌تر و من‌حیث‌المجموع دریافته‌اند سر تمامی نهادها و پیمان‌کاران به بالا وصل است و بی‌علت هم نبوده و نیست که وزارت کار در واکنش به اعتصاب کارگران صنعت نفت اعلام کرده است: «اول باید سر کار حاضر شوید تا رسیدگی کنیم». یعنی همان سیاستی که در سال گذشته و سال‌های پیشین در برابر مطالبات کارگری در پیش گرفته‌اند؛ یعنی این‌که تمامی پیمان‌کاران نفت و گاز و پتروشیمی از یک قماش و سرشان به بالا وصل و هدف‌شان استثمار کارگران و غارت ثروت‌ها و منابع طبیعی جامعه است. نتیجتاً، تمرکز حول رهائی از شر پیمان‌کاران [که این‌روزها و در بعضاً اعتراضات کارگری بگوش می‌رسد] برابر با کسب حقوق پایمال شده نیست. روشن شده است سپاه پاسداران جدا از

قدرت نظامی، در ساختار اقتصادی جامعه و از جمله نفت و گاز و پتروشیمی، بانکداری و خودروسازی، فروش مدام غذایی و رستوران‌ها، توزیع مواد ساختمانی و نظایر این‌ها ورود کرده است و تحت پوشش شرکت‌های پیمانی، در پی حفظ مناسبات و سیستم امپریالیستی‌ست. منظور از این‌که نظام جمهوری اسلامی با تمامی ارگان‌های اقتصادی - نظامی و شرکت‌های پیمانی‌اش [همچون شرکت مهندسی و ساختمان صنایع نفت، شرکت نفتیران اینترنید، شرکت مهندسی و ساخت تأسیسات دریایی ایران، شرکت توسعه پتروایران، شرکت نفت و گاز پارس و نیز صدها شرکت مشابه] بناحق‌اند و وجودشان با حیات نظام گره خورده است. حمایت همه‌جانبه و بی‌وقفه وزارت کار و دیگر نهادهای حکومتی - دولتی از "پیمان‌کاران" هم، به‌غیر از این نیست که همه آن‌ها سازمان داده شده از جانب نظام و برای پیشبرد سیاست‌ها و مقاصد اقتصادی سرمایه‌داران در درون جامعه‌اند.

خلاصه نظام و بویژه بعد از انتصابات ریاست جمهوری اسلامی در موقعیت شکننده‌تری قرار گرفته است و هراس سران حکومت، از تداوم و از یکی‌تر شدن مخالفت‌های مردمی و بخصوص عبور و فاصله‌گیری تمامی کارگران از مبارزه با پیمان‌کاران در میدانی تولیدی است. مرور به اعتراضات پی‌درپی کارگران، زحمت‌کشان، زنان و جوانان و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی حاکم بر ایران، به‌غیر از این نیست که همه خواهان سرنگونی حکومت و تمامی دار و دسته‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی آن هستند. این‌دست مخالف‌ها را می‌شود در هر موقعیت، وقت و زمانی دید. به‌طورمثال قطع برق و خاموشی چند روز اخیر در چند شهر و از جمله تهران، بابل‌سر، قائمشهر، گرگان و دیگر شهرهای ایران و متعاقباً سر دادن شعارهایی همچون «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر خامنه‌ای» نمونه‌هایی هرچند کوچک از ناراضیاتی مردم نسبت به سیاست‌های کلان سران حکومت است. مردم از دست سران حکومت کلافه‌اند و پاسخ و درخواست بدیهی‌ترین نیازهای زندگی‌شان جرم به‌حساب می‌آید و برابر با بگیروبه‌بند و شکنجه است؛ نیز دریافته شده است که سران حکومت بمانند دیگر سران نظام‌های سرمایه‌داری هیچ رغبتی در تأمین و تضمین منافع مردم ندارند و در مقابل و خوش‌بختانه تابه‌حال کارگران علی‌رغم قول‌وقرارهای ناستوار سرمایه‌داران و شرکت‌های پیمانی وابسته به نظام از طرح مطالبات‌شان پس نکشیده‌اند و همچنان بر افزایش حقوق بالای ۱۲ میلیون تومان و دیگر مزایایی همچون بازگشت بکار کارگران اخراج شده، برخورداری از حق ۱۰ روز استراحت در کنار ۲۰ روز کاری، دائمی شدن قراردادهای و حذف شرکت‌های پیمانکاری، برخورداری از حق تجمع، اعتصاب و تشکلیابی، برخورداری همگانی از حق مسکن، درمان و تحصیل رایگان، بهبود ایمنی، امکانات و استانداردهای بهداشتی در محیط و غیره اصرار دارند. علاوه بر این‌ها علی‌رغم تهدیدها و فشارهای حکومتی، تنش‌ها شدیدتر و اعتراضات و اعتصابات کارگری روبه جلوتست. پُر واضح است که سرمداران رژیم جمهوری اسلامی خیلی پیش‌تر از اعتصاب کارگران نفت فهمیده‌اند در دست‌اندازهای اعتراضی گیر کرده‌اند و عمری برای آنان باقی نمانده است؛ فهمیده‌اند که امیدی به آینده نیست و بر همین اساس در فکر سازمان‌دادن دم و دستگاه‌های سرکوب با شرایط جدید هستند. اگرچه توسل بزور، رمز اصلی عبور سران حکومت از اعتراضات کارگری و توده‌ای و جوانان است، اما ثابت شده است که سرکوب در هر شکل و صورت‌اش، جوابگوی جامعه و برابر با پایداری دائمی حکومت‌مداران نخواهد بود.

کوتاه این‌که جنبش‌های اعتراضی و بویژه جامعه کارگری نیازمند تعیین سیاست حداقلی و حداکثری توسط نمایندگان سیاسی خود [یعنی پیشروان و سازمان‌دهندگان انقلاب] در برابر نظام متکی به زور سازمانیافته است. بنابراین بدون همسویی عملی با اعتراضات و اعتصابات و بدون هدایت جنبش کارگری از سوی نمایندگان سیاسی، جامعه کارگری و دیگر توده‌های محروم در مسیر تاکنونی‌شان گیر خواهند کرد. زیرا که بیش از ۴۰ سال است سرمداران نظام با ابزار آلات جنگی متفاوت و با سرکوب عنان گسیخته در برابر جنبش‌های کارگری و توده‌ای و جوانان به صف شده‌اند و

روشن است که بدون استفاده از ابزار آلات نظامی، و بویژه بدون حضور سازمان مسلح کمونیستی با برنامه، خواست‌ها و نیازهای کارگران نفت و گاز و پتروشیمی و دیگر توده‌های ستمدیده متحقق نخواهد شد. مورد قبول است اعتصاب، مدرسه جنگ و پرش به مدارج بالاتر مبارزاتی است، اما بدون حضور سکوها پرش در درون (منظور سازمان‌های کمونیستی)، جامعه کارگری از ورود به موقعیت و مدارج بالاتر مبارزاتی باز خواهد ماند. واضح‌تر این که کارگران ایران، طالب سازمان کمونیستی متناسب با قاعده‌بندی‌های حاکم بر جامعه‌اند. پس ثمربخشی اعتصابات صنفی - اقتصادی، ربط با واسطه‌ای در حضور و در انجام نقشه سیاسی - نظامی سازمان کمونیستی در برابر نقشه سیاسی - نظامی طبقه سرمایه‌داری وابسته ایران دارد و نتیجتاً، انتقال و طلب آن از جامعه و کارگران، به‌غیر از انحراف از آرمان مارکسیست - لنینیستی، و به‌غیر از روگردانیدن از عمل انقلابی در برابر عمل ضد انقلابی نیست.

۱۶ جولای ۲۰۲۱

۲۵ تیر [سرطان] ۱۴۰۰